

گاوداری های صنعتی ایران و سهم ناچیز آذربایجان

آیهان مهدیلو

با تشکر از دوستان عزیزم آراز اردبیلی و تایماز همدانلی

مقدمه

آذربایجان جنوبی¹ که تقریباً شامل **9.9%** از اراضی ایران می‌شود، سهم قابل توجهی از سطح تولید علوفه ایران را به خود اختصاص داده است که از 951 521 هکتار سطح نباتات علوفه‌ای ایران در سال زراعی 86-87 (تا حدودی در سال اخیر)، 406 670 هکتار یا **42.7%** آن در 6 استان آذربایجان قرار دارد (توانمندی استانهای استانه‌ای کرد و لر نشین هم مشابه آذربایجان است).

¹- در نظر بسیاری از عزیزان اصطلاح آذربایجان جنوبی فقط القا کننده‌ی موضوع استقلال آذربایجان است که تا حدودی جریان فکری مناسبی نمی‌باشد، با این حال آیت الله شریعتمداری با احترام و قبول تمامیت ارضی ایران از اصطلاحات آذربایجان شمالی و جنوبی استفاده می‌کرد. با این رویکرد و برای اشاره دقیق و عدم اشتباه لفظی بین دو آذربایجان در مواردی از اصطلاحات آذربایجان شمالی و جنوبی استفاده خواهیم کرد و در مواردی فقط آذربایجان. از عبارات آذربایجان ایران و شمال غرب ایران هم می‌توان استفاده کرد که در ادبیات سیاسی ایران، شمال غرب ایران فقط مختص چهار استان (آ.شرقی، آ.غربی، اردبیل و زنجان) است که مطلوب ما نیست و اصطلاح آذربایجان ایران هم بار سیاسی کمتری نسبت به آ.جنوبی دارد که اصطلاح آ.جنوبی حداقل القا کننده‌ی جریان فکری-حرکتی استقلال و خود مختاریت آذربایجان در کنار مباحث دیگر منجمله فدرالی است. اصطلاح آذربایجان ایران، آذربایجان را فقط به عنوان یک قدرت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در بطن ایران می‌شناساند، در حالی که اصطلاح آذربایجان جنوبی آذربایجان را به عنوان بخشی مجزا از حیث وابستگی به ایران و آ.شمالی می‌شناساند که در این مورد مباحث مختلف سیاسی-اقتصادی درباره آذربایجان قابل طرح است. در ادبیات سیاسی ملل دو نوع مرز سیاسی و فرهنگی قابل طرح است، که مرز سیاسی همان مرز قراردادی بین کشورها است که فقط محدود به سرزمینهای داخل مرز هر کشور با کشور دیگر است، اما حدود مرز فرهنگی ممکن است فراتر از مرزهای قراردادی باشد. با این رویکرد آ.شمالی و جنوبی با اینکه در شرایط فعلی، مرز سیاسی مشترکی ندارند، ولی طرح موضوع مرز فرهنگی بین آنها بسیار سخت است. حقیقت موضوع این است که روح مشترک آذربایجانی‌های دو سوی آراز خواه-ناخواه باید در ادبیات سیاسی مورد قبول واقع شود و اصطلاحات شمالی و جنوبی تا حدودی القا کننده این روح مشترک می‌باشد که حکومت ایران از طریق مرز سیاسی موجود، سعی در محدود و جدا کردن مرز فرهنگی بین آنهاست.

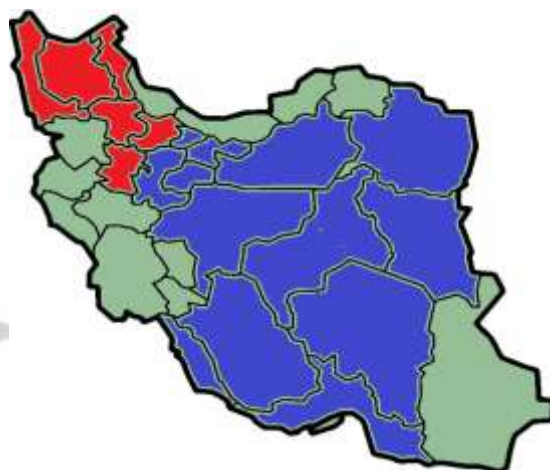
²- آذربایجان جنوبی بخشی از ایران است که بین 12 استان (شمال غرب ایران) تقسیم شده است و مساحتی در حدود 9.9% از مساحت 1 648 195 کیلومترمربعی ایران را شامل می‌شود. بحث ما روی 6 استان آ.شرقی، آ.غربی، اردبیل، زنجان، قزوین و همدان است (البته مساحت 6 استان نام برده از مساحت واقعی آذربایجان کمتر است) که اگر بخشهای غیر آذربایجانی این استانها کم و بخشهای آذربایجانی استانهای مجاور بدان افزوده شود، تقریباً برابر (مساحت 6 استان کمتر از مساحت واقعی آذربایجان است) با وسعت آذربایجان می‌شود که بدلیل نداشتن آمار شهری و منطقه‌ای بخشهای آذربایجانی 12 استان، شرایط آماری 6 استان مذکور را برابر با آذربایجان در نظر می‌گیریم. در صورت اطلاعات بیشتر در زمینه وسعت آذربایجان می‌توانید به کتاب کشاورزی آذربایجان به همین قلم مراجعه کنید.

عمده اراضی ایران خشک می‌باشد که در مورد مقایسه‌ای ما با 12 استان فارس-مرکزی (استان‌های اصفهان، بوشهر، تهران (و کرج)، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، سمنان، فارس، قم، کرمان، مرکزی، هرمزگان و یزد) که 60.9% از اراضی ایران را شامل می‌شوند تنها 338 756 هکتار یا 35.6% از کل سطح نباتات علوفه‌ای ایران در همان سال زراعی در این 12 استان با مساحت چندین برابری آذربایجان قرار دارد. حال بحث عملکرد که در مناطق مرکزی-فارس نشین عملکرد در مواقعی چندین برابر آذربایجان است به کنار (برای مثال در همان سال زراعی عملکرد علوفه در اصفهان 22.57 تن در هکتار بود که همین مورد برای آشرقی 7.11 تن در هکتار بود³. تفاوت عملکرد دو استان مربوط به تفاوت اقلیم نمی‌باشد.) که قصد ما فقط نشان دادن پتانسیل بالقوه آذربایجان در این زمینه است که طبیعت و مراتع سرسبز و پر آب و علف آذربایجان در آمار سطح تولید جهاد کشاورزی مورد محاسبه قرار نگرفته است.

لذا با وجود چنین تفاوت فاحش در توانمندی آذربایجان و مناطق فارس-مرکز نشین در زمینه تولید علوفه، برعکس ما شاهد وجود عمده گاوداری‌های صنعتی⁴ ایران در مناطق کویری و مرکز هستیم که حتی تعداد گاوداری‌های صنعتی 6 استان آذربایجان جنوبی در سال 1389 از گاوداری‌های صنعتی استان اصفهان هم کمتر می‌باشد که آذربایجان با چنان توانمندی زراعی و مراتع سرسبز از صنعت گاوداری بهره‌ای بسیار ناچیز برده است.

در این نوشته ما برآنیم با ارائه آمارهایی از تعداد گاوداری‌های صنعتی آذربایجان و مناطق فارس-مرکز نشین در سالهای 86، 88 و 89 و مقایسه آنها تبعیضات و ظلم تحمیل شده در این بخش بر آذربایجان را بررسی کنیم و با ارائه آمارهای تحلیلی در این زمینه نشان خواهیم داد که استفاده از توانمندی تولید علوفه آذربایجان و توجه اساسی به این صنعت می‌تواند پستهای شغلی هزاران نفری ایجاد کند که موجب شکوفایی هر چه بیشتر اقتصاد آذربایجان می‌شود.

³- آمارنامه کشاورزی، جلد اول محصولات زراعی، سال زراعی 87-86، مرکز آمار ایران، ص 83
⁴- گاوداری صنعتی یک واحد تولیدی دامپروری است که در آن فعالیت پرورش گاو و گوساله از نظر محل و نحوه نگهداری، روش تغذیه و بهداشت دام طبق برنامه و با رعایت اصول و موازین نوین و ویژه انجام می‌شود. در بخشهای مختلف نوشته منظور از گاوداری همان گاوداری صنعتی است. گاوداری سنتی که تقریباً در تمامی روستاها در هر خانواده‌ای 2-20 اصل گاو و گوساله وجود دارد جدای از بحث گاوداری صنعتی است.



6 استان آذربایجان و 12 استان فارس-مرکز

گاوداری‌های صنعتی استانهای فارس-مرکز نشین و آذربایجان

بر اساس طرح آمارگیری از گاوداری‌های صنعتی ایران در سال 1389، تعداد کل گاوداری‌های صنعتی ایران 24 659 واحد با ظرفیت 2 747 124 رأس بوده است که 19 731 گاوداری صنعتی فعال و 4 928 آن غیر فعال بوده‌اند⁵ که منظور از گاوداری غیر فعال، گاوداری است که به هر دلیلی فعالیت تولید ندارد.

تعداد گاوداریهای صنعتی استانهای آذربایجان و فارس-مرکز نشین بقرار زیر می‌باشند⁶:

⁵- چکیده نتایج آمارگیری از گاوداریهای صنعتی کشور 1389، مرکز آمار ایران، ص 13
⁶- چکیده نتایج آمارگیری از گاوداریهای صنعتی کشور 1389، همان، صص 25 و 27

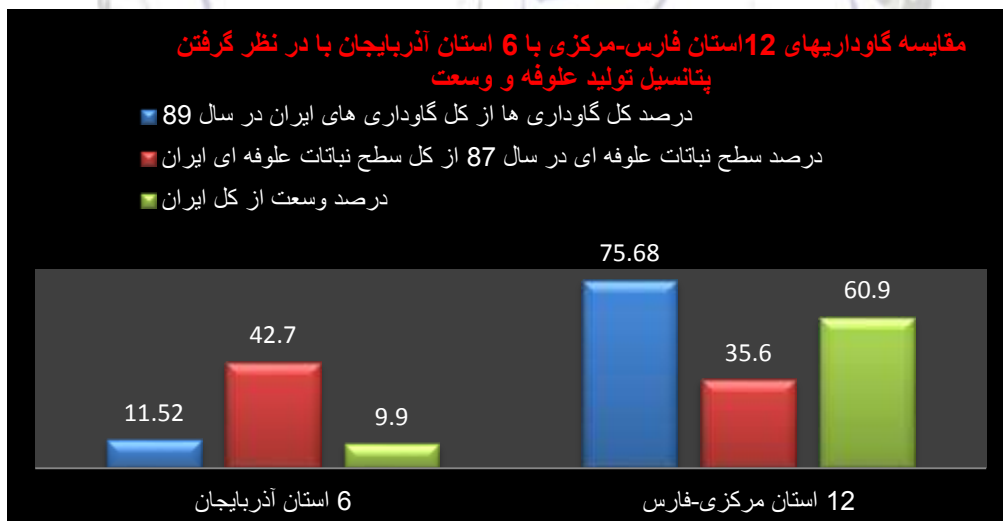
1389		1388		1386		آذربایجان جنوبی
غیر فعال	فعال	غیر فعال	فعال	غیر فعال	فعال	
227	511	226	512	125	560	آشرفی
161	464	175	450	152	296	آ. غربی
171	186	149	208	121	66	اردبیل
58	136	52	141	100	121	زنجان
162	266	150	276	129	166	همدان
61	439	80	405	70	229	قزوین
840	2 002	832	1 992	697	1 438	جمع
	2 842		2 824		2 135	

1389		1388		1386		استانهای مرکز- فارس نشین
غیر فعال	فعال	غیر فعال	فعال	غیر فعال	فعال	
363	2 404	367	2 389	422	2 091	اصفهان
118	170	119	169	51	98	بوشهر
1156	3 287	1091	3 349	651	2 628	تهران
57	279	49	283	75	179	خ. جنوبی
231	2 380	296	2 314	431	2 003	خ. رضوی
245	982	227	1 000	341	869	سمنان
351	1 471	345	1 442	307	771	فارس
183	652	190	574	71	404	قم
89	654	85	642	23	324	کرمان
336	1 635	391	1 564	322	836	مرکزی
63	51	61	53	23	17	هرمزگان
187	1 320	181	1 311	193	741	یزد
3 379	15 285	3 402	15 090	2 530	10 961	جمع
	18 664		18 492		13 491	

با توجه به آمار جداول بالا در سال 1386 از 14 267 گاوداری فعال ایران تنها 1 438 واحد آن در 6 استان آذربایجان قرار داشتند که 10.07% کل گاوداریهای فعال ایران می‌شدند. در همین سال از همان تعداد گاوداری فعال ایران 10 961 واحد یا 76.82% آنها در 12 استان فارس-مرکز نشین قرار داشتند.

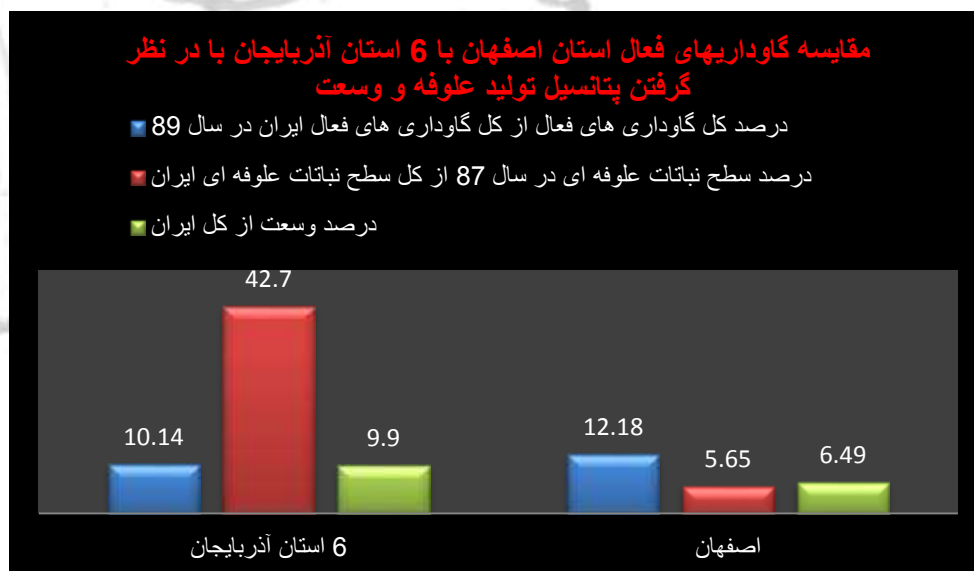
در سال 1386 کل گاوداریهای فعال 6 استان آذربایجان جنوبی از کل گاوداریهای فعال استان اصفهان هم کمتر بوده است، در صورتی که سطح نباتات علوفه‌ای استان اصفهان در سال زراعی 86-87، 13.22% سطح نباتات علوفه‌ای 6 استان آذربایجان بوده است. استان‌های دیگر فارس-مرکز نشین هم شرایطی مشابه استان اصفهان دارند که با نیم نگاهی به آمارهای بالا متوجه آن خواهید شد. در سال 1388 هم وضع به همان منوال بود، ولی تا حدودی با رشد نسبی بیشتری نسبت به مناطق فارس-مرکز نشین همراه بوده است.

در سال 1389 که عمده بحث ما روی این سال انجام خواهد گرفت تعداد کل گاوداریهای آذربایجان 11.52% کل گاوداریهای ایران بود که در همین سال تعداد گاوداریهای 12 استان کویری-فارس 75.68% کل گاوداریهای ایران را شامل می‌شد (نمودار شماره 1).



نمودار شماره 1

برای مثال کل گاوداری‌های صنعتی فعال 6 استان آذربایجان در سال 89 از کل گاوداری‌های فعال استان اصفهان کمتر بوده است. در حالی که سطح نباتات علوفه‌ای 6 استان آذربایجان در سال زراعی 87-86، 670 406 هکتار یا 42.7% از کل سطح نباتات علوفه‌ای ایران و همین مورد برای استان اصفهان 793 53 هکتار یا 5.65% از کل سطح نباتات علوفه‌ای ایران بود (نمودار شماره 2).

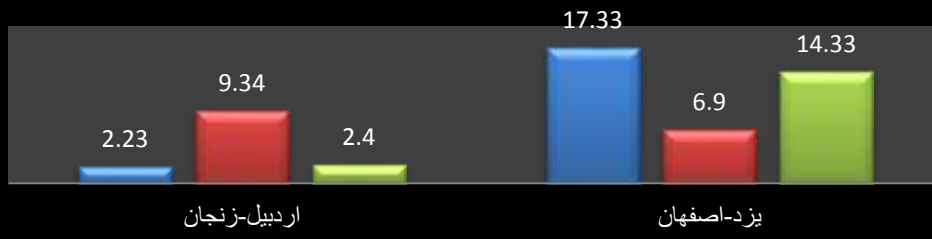


نمودار شماره 2

مثالی دیگر: تعداد کل گاوداری‌های استانهای اردبیل-زنجان در سال 1389 با دارا بودن 88 915 هکتار یا 9.34% از کل سطح نباتات علوفه‌ای ایران در سال 1387، 551 واحد بود که همین مورد برای استانهای یزد-اصفهان با دارا بودن 65 687 هکتار یا 6.9% از کل سطح نباتات علوفه‌ای ایران در سال 1387، 4 274 واحد بود (نمودار شماره 3).

مقایسه گاوداریهای استانهای اصفهان-یزد با اردبیل - زنجان با در نظر گرفتن پتانسیل تولید علوفه و وسعت

- درصد کل گاوداری ها از کل گاوداری های ایران در سال 89
- درصد سطح نباتات علوفه ای در سال 87 از کل سطح نباتات علوفه ای ایران
- درصد وسعت از کل ایران



نمودار شماره 3

از حیث تعداد گاوداری می‌توانید بین سایر استانهای آذربایجان و فارس-مرکز نشین مقایسه‌ای انجام دهید (مثلا بین اردبیل با یزد و سمنان، اردبیل با تهران، زنجان با کرمان و ...) که نتایج همه آنها شبیه به هم است.

تورک ستیزی، تبعیض، استعمار، اقتصاد ضعیف و مهاجرت آذربایجانی‌ها

آمارها گویای سهم بسیار ناچیز آذربایجان از گاوداریهای صنعتی در سال 1389 است که منطقه‌ای با چنین آب و هوا، بارش و در نهایت سرسبزی و مراتع مترکم (بهترین مراتع خوب ایران در استانهای آذربایجان و کردستان قرار دارد) بسیار چرا از نظر صنعت گاوداری حتی قابل قیاس با یکی از استان‌های کویری، خشک و مرکزی نیستند؟

در مقدمه ذکر کردیم که مقدار 406.670 هکتار یا 42.7% از مقدار 951.521 هکتار سطح نباتات علوفه ای ایران در سال 86-87 در 6 استان آذربایجان قرار دارد. اما در همان سال زراعی در استان‌های اصفهان، بوشهر، تهران (کرج)، خراسان جنوبی، خراسان رضوی،

سمنان، فارس، قم، کرمان، مرکزی، هرمزگان و یزد (12 استان) که 60.9% از اراضی ایران را تشکیل می‌دهند تنها 338 756 هکتار یا 35.6% از کل سطح نباتات علوفه‌ای ایران در این 12 استان با مساحت چندین برابری آذربایجان قرار دارد. با وجود اینکه گاوداری‌های صنعتی آذربایجان جنوبی کمتر از حد ظرفیت آن است، ظرفیت (تن در هکتار) تولید علوفه آن هم پایین است و در عوض مناطق کویری ایران با وجود اینکه سطح زیر کشت علوفه کمتری هم دارند ولی عملکرد علوفه آن چندین برابر آذربایجان است (مقدمه کتاب: عملکرد علوفه در اصفهان 22.57 تن در هکتار بود که همین مورد برای آشرقی 7.11 تن در هکتار است).

گفتنی است با توجه به اینکه تقریباً تمامی گاوداری‌های صنعتی بیشتر از نژاد خاصی از گاو (هلشتاین) استفاده می‌کنند که بومی کشور هلند و آلمان است که کاملاً به شرایط آب و هوایی سرد و کوهستانی (آذربایجان، کردستان و لرستان) عادت داشته و پرورش آن در مناطق گرم و خشک (مرکزی ایران) با سختی‌های فراوانی همراه است. بطوریکه تقریباً به مدت 6 ماه از سال با استفاده از فن‌ها و مه پاشهای فراوان شرایط سرد کوهستانی را برای فضای نگه داری گاوها فراهم می‌کنند.

عدم ایجاد و وجود گاوداری‌های صنعتی به تعداد کافی نسبت به استانهای کویری در آذربایجان را در **عدم حمایت دولت (وام و تسهیلات)**، توجه ویژه سیاستهای کلان کشوری به مرکز و مناطق فارس نشین و سطح پایین شعور ملی (متفاوت با شعور انسانی) آذربایجانی‌ها و سایر قومیت‌ها باید جست که دولت مرکزگرا از چنین ظرفیت فوق العاده آذربایجان، کردستان و لرستان صرف نظر کرده و اقدام به تمرکز صنعت گاوداری در مناطق خشک و کویری می‌کند که هزینه حمل و نقل علوفه به مرکز هم به جان خریده می‌شود.

چون نزدیک به 76% از کل گاوداری‌های ایران در استانهای فارس-مرکز واقعند، پس عمده صنایع گوشت، پوست، پشم، لبنی و هر بخشی از صنعت که مواد خام آنها از صنعت گاوداری تامین می‌شود در مناطق فارس-مرکز نشین قرار دارند که وابستگی سنگینی از حیث نیازمندی به این صنایع بر مناطق قومی ایران تحمیل می‌شود با اینکه مناطقی چون آذربایجان و کردستان می‌توانستند از وجود چنین صنایعی بی‌نیاز باشند.

با این حال صنایع مرکزی روز به روز بر شکوفایی آنها افزوده می‌شود و پروژه‌های وابستگی فرزند به مادر هم با گذشت زمان تکمیل‌تر می‌شود، که استحاله و ژنوساید (کشتار) فرهنگی خلق تورک و سایر قومیتها از عواقب دیگر اقتصاد ضعیف این مناطق با رویکرد مهاجرت منفی و فقر است.

اشتغال، توانمندی و چشم اندازهای صنعت گاوآردی آذربایجان

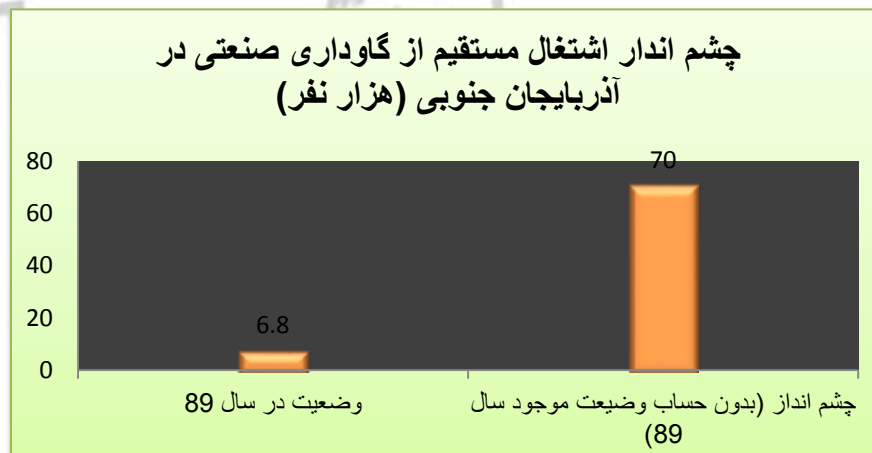
با توجه به اینکه تعداد کل کارکنان گاوآردیهای صنعتی سال 1388 (کل گاوآردیهای فعال 19 448)، 766 230 نفر بوده است، پس به طور میانگین در هر گاوآردی 3.4 نفر می‌توانند مشغول به کار شوند.

در آذربایجان جنوبی با توجه به اینکه سطح تولید علوفه از 12 استان کویری-مرکزی بیشتر است و با وجود تعداد 18 664 گاوآردی در 12 استان (1389) با سطح تولید 338 756 هکتاری علوفه، پس آذربایجان جنوبی با 406 670 هکتار سطح تولید علوفه ظرفیت 22 405 واحد گاوآردی را دارد (تناسب با شرایط 12 استان). سطح تولید علوفه آذربایجان هم با وجود کشاورزی مکانیزه منجمله آبیاری سیستمیک، پتانسیل افزایش دارد که با وجود مراتع مرغوب و مناسب منطقه، تمامی این واحدهای صنعتی در صورت حمایت دولتی و مردمی توانایی فعالیت فعال دارند. همچنین لازم به ذکر است مساحت و سطح تولید 6 استان فرضی آذربایجان از مساحت و سطح تولید آذربایجان جنوبی که بین چندین استان تقسیم شده است کمتر هم هست.

با فرض 3.4 نفر کارکن در هر واحد، در 22 405 واحد گاوآردی 76 177 نفر به صورت مستقیم می‌توانند مشغول کار شوند که با فرض خانواده‌های 4 نفری، صنعت گاوآردی توانایی ساپورت مستقیم تقریباً 305 هزار نفر را دارد. در سال 1389 با وجود 2 002 واحد گاوآردی صنعتی فعال در 6 استان آذربایجان، تنها 6 806 پست شغلی وجود داشت که چشم

7- چکیده نتایج آمارگیری از گاوآردیهای صنعتی کشور 1389، همان، ص 17

انداز این صنعت در آذربایجان به صورت مستقیم 70 هزار پست شغلی بیشتر از شرایط فعلی است .



نمودار شماره 4

صنعت گاوداری در آذربایجان مسلماً منابع خام بخش صنعت مربوطه (پشم، لبنی، کود، گوشت و ...) را تأمین کرده که هزاران پست شغلی هم در بخش خدمات (فروشنده‌گی، آموزش، رانندگی و ...) مربوط به نیروی کار بخش صنعت گاوداری ایجاد می‌شود که با فرض یک به یک اشتغال بخش کشاورزی، صنعت و خدماتی⁸، 210 (3*70 هزار) هزار پست شغلی ارمغان صنعت گاوداری برای آذربایجان است⁹. که با فرض خانواده‌های 4 نفری، بیکار، پیر، و ... جمعیت تحت الحمایه صنعت گاوداری به حدود 1 میلیون نفر می‌رسد (جمعیت استان زنجان در سرشماری سال 90، 1 015 734 نفر بوده است).

⁸ - با توجه به نتایج آمارگیری نیروی کار سال 1387 (مرکز آمار)، نسبت شاغلان بخش خدمات و صنعت به کشاورزی به ترتیب 2.1 و 1.51 بودند. در این نوشته این نسبت را یک به یک فرض کردیم.

⁹ - نسبت یک به یک فرضی از نسبت واقعی بخش خدمات و صنعت به کشاورزی بسیار کمتر است و ممکن است در شرایط نرمال جامعه نسبت یک به یک صادق نباشد (مسلماً کمتر یا بیشتر است). لذا ما با فرض این نسبت تا حدودی خواهان مشخص کردن چشم انداز این صنعت در آذربایجان هستیم و چون آمار کافی از نسبت شاغلان بخش گاوداری در کشاورزی به صنعت و خدمات مربوطه در دست نداریم، ممکن است تعداد پست شغلی مورد محاسبه ما کمتر از 210 هزار هم باشد.

یعنی چشم انداز صنعت گاوداری در آذربایجان توانایی ساپورت جمعیت 1 میلیون (در این حدود) بیشتر از جمعیت فعلی را دارد.

